



طیارہ



طیرا



طیر



نیمت ۱۰۰۰ + \* دار

روزی روزگاری در یک شومزبانی یک مرد نام مسئول «طاه» زنی می کرد  
 او بازی هایی یا استیایی که با کلمات طاه شروع می شد. مثل کلمه «طاه شیه»  
 مسئول «طاه» می خواست یک «طوق» بکشد و آن را به واقعیت تبدیل  
 کند. این کار هم می توانست، اما یک یا دو شرط دارد.  
 اولین شرط آن این بود که او می توانست یا یک کج یک دایره یا یک طوق  
 بکشد که به واقعیت تبدیل شود. یک شرط دیگر هم این بود که نیازی به کاغذ  
 یا تخته ندانست و می توانست روی فضا یا هوا بکشد.  
 او این کار را کرد و یک «طوق» بکشد. طوق واقعی شد.  
 شیره غرور این طوق را دید و گفت: «صد کن! بگذار من داخل «طوق» شوم».



مسئله طاء : نه اصلا کلمه «اسه» اول حرفش «طای» است .

نقطه کس حای یا اشیا یی می تواند داخل شوند که اول حرف کلمه اش «طای» باشد .  
«اسه» یعنی شیر می گوید این عادلانه نیست .

مسئله طاء : طیاره اول اسم او «طای» است مثل کلمه ی «طایر» یعنی پرنده .  
و مثل یه یعنی «طفل» .

اسه : یعنی یک یه می تواند از داخل طوق بپرد ولی من می توانم .

مسئله «طای» حی «واسیا» ! کجای روی ؟

اسه : «آی» در دم گرفت .

مسئله «طای» : باشد تو که شناس آوردی . حالا من یک شخص منسب را که اول

حرف آن از طاء است مثل «طیب» صدای کنم .

اسه : (الآن کهن بریم) و دیگر هیچ وقت با حرف «طای» بازی نمی کنم .

لصاویر

